

DOI: [10.71854/soc.2025-1203457](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1203457)

Conflict between Professional and gender identity: A comparison between employed and educated girls aged 25-35 from Tehran and Istanbul

Mehrnaz Nejabati [001-001-0683-0641](#) 

PhD Candidate, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Saeed Maadani¹ [0009-0001-5071-0970](#) 

Assistant Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

This article examines the struggle between traditional female roles and professional and occupational roles in modern society among young women in Tehran and Istanbul. It also seeks to analyze the identity-related impacts of this process on the preferences and choices of women in these two societies, which share historical, cultural, geographical, and religious commonalities. The central research question was: How do employed and educated Iranian and Istanbulite women define their identity? The theoretical framework of this study is based on the ideas of Richard Jenkins and Anthony Giddens, as well as, to some extent, Erving Goffman's dramaturgical theory. Given the nature of the subject, a mixed-methods approach was used. In the qualitative section, semi-structured interviews were conducted with employed and educated women aged 25 to 35 in Tehran and Istanbul, Turkey. Based on the concepts derived from the qualitative analysis, a 63-question questionnaire was developed and distributed to the target groups in both cities, and data were collected accordingly. The findings from both qualitative and quantitative sections indicate that educated women in Tehran and Istanbul over the age of 35 perceive a tension and contradiction between their private and public lives. Gaining and maintaining independence is a crucial motivation and goal in their social actions inside and outside the home. However, most of them have not been able to choose between their professional identity and their gender identity. Instead, despite the conflicts between these two identities, they continue to strive to integrate both into their lives simultaneously.

Keywords: Identity confusion, Gender identity, Professional identity, Single women.

¹ . Corresponding Author: Maadani25@yahoo.com

تعارض هویت حرفه‌ای و جنسیتی؛ مقایسه‌ای میان دختران شاغل و تحصیل‌کرده ۲۵ تا ۳۵ ساله تهرانی و استانبولی

مهرناز نجابتی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سعید معدنی^۱

استادیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۸

چکیده

مقاله حاضر به بررسی جدال میان نقش‌های سنتی زنانه و نقش‌های حرفه‌ای و شغلی در جامعه مدرن، در میان دختران ساکن تهران و استانبول می‌پردازد و چگونگی تأثیرات هویتی این فرآیند را در ترجیحات و انتخاب‌های زنان این دو جامعه، که دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و دینی هستند، را مورد مطالعه قرار داده است. پرسش آغازین این بود که دختران ایرانی و استانبولی شاغل و تحصیل‌کرده، هویت خود را چگونه تعریف می‌کنند؟ چهارچوب نظری این تحقیق برگرفته از آرای ریچارد جنکینز و آنتونی گیدنز و تا حدودی نظریه نمایشی گافمن است. این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، به روش ترکیبی انجام شد. در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با نمونه‌های مورد نظر، شامل دختران شاغل و تحصیل‌کرده در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال در دو شهر تهران و استانبول ترکیه انجام شد. سپس با استفاده از مفاهیم استخراج شده در بخش کیفی، پرسش‌نامه‌ای با ۶۳ سوال تنظیم و در بین تیپ‌های مورد نظر در این دو شهر توزیع و داده‌ها گردآوری شد. با توجه به یافته‌های بخش کیفی و کمی این پژوهش، دختران استانبولی و تهرانی تحصیل‌کرده بالاتر از ۳۵ سال، در عرصه عمل میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی شکافی از تنش و تناقض می‌بینند، چرا که کسب و حفظ استقلال، انگیزه و هدف بسیار مهمی در کنش‌های اجتماعی آنان در داخل و خارج از خانه است، اما بیشتر آنان نتوانسته‌اند بین هویت حرفه‌ای و هویت جنسیتی خود، یکی را برگزینند. بلکه به‌رغم تضادهای موجود بین این دو هویت، کماکان در تلاشند تا هر دو را در زندگی خود، به‌طور همزمان، به‌دست آورند.

واژگان کلیدی: آشفتگی هویتی، زنان مجرد، هویت جنسیتی، هویت حرفه‌ای.

بیان مسئله

۱. نویسنده مسئول: Maadani25@yahoo.com

انسان‌ها در جهان امروز با وضعیت دوگانه‌ای روبه‌رو هستند. پدیده جهانی شدن، چالش‌هایی را در جوامع انسانی ایجاد کرده‌است و رابرتسون با طرح عنوان (جهانی-بومی‌شدن) این فرآیند را چنین تشریح می‌کند: «جهانی-بومی‌شدن به معنای حضور همزمان پتانسیل‌های جهانی و بومی است در این فرآیند خواسته‌ها، مشارکت و شکوفایی افراد و اجتماعات محلی در بستر روابط بین‌المللی به ظهور می‌رسد.» (علیرضائزاد، ۱۳۸۶: ۲). به زعم رابرتسون طی فرآیند جهانی شدن، محصولات تکنولوژی و اندیشه‌ها از بیرون وارد شده و پس از بازتولید در داخل، به سرعت و مجدداً در کل جهان گسترش می‌یابد؛ اما نکته قابل توجه آن است که افراد در برخورد با مسائل جهانی و آموزه‌های جدید، به حفظ ویژگی‌های محلی توجه بسیاری دارند (همان). از این رو فرد با عرصه جدیدی گسترده‌تر از جامعه سنتی خود وارد تعامل می‌شود که دیگر مولفه‌هایی چون نژاد، موقعیت خانوادگی و طبقاتی و نیز جنسیت اهمیت خود را در تعریف موقعیت فرد از دست می‌دهد. بر این اساس است که از منظر جنسیتی نیز می‌توان انتظار داشت زنان وارد عرصه‌هایی شوند که پیش از آن امکان حضور در آن را نداشتند. تحصیلات دانشگاهی و شغل دو عنصر تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی در دنیای مدرن، فرصت‌ها و معانی تازه‌ای را وارد زندگی زنان کرده‌است. پیشرفت دانش و تکنولوژی و تخصصی شدن مشاغل، ضرورت کسب آموزش‌های عمومی و تخصصی را برای حرف و مشاغل جدید به همراه داشته و نقش‌های جدیدی را در بستر مناسبات اجتماعی ایجاد کرده‌است که این نقش‌ها به گفته جرج هربرت مید طی کنش متقابل اجتماعی ترسیم‌کننده و شکل‌دهنده هویت‌های جدیدی خواهد بود (جعفری نمین، ۱۳۹۰: ۹).

در بستر اجتماعی سنتی همواره از زن انتظار می‌رود به عنوان اداره‌کننده امور داخلی خانواده برای شوهر و فرزندانش سنگ صبور، مهربان، پروراننده، دوست‌دار و سرشار از عاطفه باشد (پارسونز، ۱۳۸۲: ۴۶۶) یا از زن انتظار می‌رود گرم، لطیف و دارای جهت‌گیری خانوادگی باشد (علیرضائزاد و سرابی، ۱۳۸۶: ۲۲۷). این انتظارات جامعه که در جریان جامعه‌پذیری با عنوان هویت سنتی زن مطرح است، مرتب در جریان کنش اجتماعی باید توسط دیگران صاحب اهمیت نیز پذیرفته شود تا بتوان گفت هویتی کسب شده و تنها فرستادن پیامی راجع به هویت کافی نیست (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۱). چنانچه گیدنز می‌گوید: «در بستر سنتی، هویت اجتماعی عملاً به صورت مهر و نشانی آشکار بر شخصیت افراد کوبیده می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۰).

طی دهه‌های اخیر زنان ایرانی با وجود برخورداری از هویت حرفه‌ای و امکان استقلال و در دست گرفتن موقعیت فرادست در داخل خانواده، تحت فشار اجتماعی کماکان به مثابه دختر خانه در خانواده پدری باقی مانده‌اند. از سویی دیگر آن‌ها برای کسب عناصر و تأمین امنیت اجتماعی از طریق ازدواج و به عبارت دیگر برای کسب عناصر هویت جنسیتی حاضر به فداکردن هویت حرفه‌ای خود نیستند و می‌توان گفت چالش هویت حرفه‌ای و جنسیتی میان زنان شاغل تحصیل‌کرده مجرد حل نشده‌است (علیرضائزاد، ۱۳۹۲: ۲۹۰). از سویی دیگر نتایج برخی از تحقیقات سال‌های اخیر در جامعه ترکیه حاکی از تأکید بر ملاک‌های جنسیتی زنانه است، داشتن فرزند برای زنان مهم است و ملاک امتیاز و اعتبار زنان فرزندآوری است، به‌خصوص در خانواده‌های سنتی و زنان خانه‌دار، به‌طوری‌که بهبود موقعیت اجتماعی زنانی با تحصیلات کمتر که موقعیت و آزادی اقتصادی محدودی دارند، در سایه باروری و فرزندآوری است (سرداروغلو، کیزیلکلیا بجی، ۲۰۱۰).

تحقیق حاضر قصد دارد، جدال نقش سنتی زنانه را در تقابل با نقش‌های حرفه‌ای و شغلی جامعه مدرن در میان زنان ساکن در تهران و استانبول بررسی کند و چگونگی تأثیرات هویتی این فرآیند را در ترجیحات و انتخاب‌های زنان این دو جامعه، که از نقاط مشترک تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و دینی برخوردارند، بررسی کند. به عبارت دیگر، تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که دختران مجرد تحصیل‌کرده و شاغل، کدام هویت را، از میان آنچه جامعه سنتی به آن‌ها تحمیل می‌کند و موقعیتی که جامعه نوین در اختیار آن‌ها گذارده، انتخاب می‌کنند؟ با توجه به ویژگی‌های متفاوت این دو نوع هویت، کدامیک و به چه دلیلی انتخاب می‌شوند؟ به دیگر معنا دختران به هویت حرفه‌ای اهمیت بیشتری می‌دهند یا هویت جنسیتی؟ تحصیلات و شغل دختران ممکن است در ازدواج و مادر شدن آن‌ها وقفه اندازد با این حال انتخاب دختران، کدام است و انتخاب هر نقش، چه مشکلات و هزینه‌ایی برای آنان در جامعه دربردارد؟

پیشینه تحقیق

«آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه، با تأکید بر جایگاه ایران» تحقیقی است که زهرا پیشگاهی‌فرد و ام‌البنین پولاب (۱۳۸۸) انجام داده‌اند. این تحقیق با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طی یک دوره ۳۵ ساله وضعیت اشتغال منطقه، به‌ویژه ایران را در سال هدف به تصویر می‌کشد و با شاخص‌های توسعه انسانی، جایگاه فعلی زنان ایران را در زمینه اشتغال در منطقه خاورمیانه بررسی و سپس جایگاه وضعیت زنان را در رتبه فوق در سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی می‌کند. روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. یافته‌ها نشان داد که زنان ایران از امکانات شغلی مناسب‌تری نسبت به منطقه بهره‌مندند و در رتبه پنجم منطقه قرار دارند و با توجه به رشد نسبی اشتغال زنان، حتی امکان دستیابی ایران به رتبه اول یا دوم در خاورمیانه قابل انتظار خواهد بود.

«تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان» توسط مریم رفعت‌جاه و سمیه قربانی (۱۳۹۰) پژوهشی دیگری است که به بررسی موانع فرهنگی و تصورات قالبی که همه زنان ایرانی کم و بیش در معرض آن قرار دارند، پرداخته‌است. این تحقیق با استفاده از رویکرد نظری بورديو به این سؤال پاسخ می‌دهد که سرمایه اجتماعی یا منابع ایجادکننده آن چه تأثیری بر موقعیت شغلی زنان دارد. این پژوهش تأیید کرده‌است که سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و روابط اجتماعی) مدیران زن به مراتب بیشتر از دیگر کارکنان زن است، به عبارت دیگر کارکنانی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند بیشتر از دیگران توانستند به مشاغل مدیریتی ارتقا یابند.

یعقوب فروتن (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران» انجام داده‌است. این پژوهش انعکاس هویت و نقش‌های جنسیتی را در سیستم آموزشی بررسی و با تئوری فرآیند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی (ریچاردسون^۱ - اونس و دایوس - تابلور^۲) محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی را تحلیل می‌کند. یافته‌ها به روشنی بیانگر سوگیری جنسیتی است و به موازات افزایش پایه تحصیلی این سوگیری جنسیتی هم در اسامی و هم در تصاویر کتاب‌های درسی با شدت و قوت بیشتری بازتاب می‌یابد. این

1. BK Richardson

2. J Taylor

الگوی جنسیتی در متون درسی شباهت زیادی با جایگاه زن در فرهنگ عامه دارد که هویت دختر و زن را در ارتباطی تنگاتنگ با تشکیل خانواده (ازدواج و بارداری) می‌بیند. «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان ایران» عنوان پژوهشی از زهرا پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۸۹) درخصوص تأثیرات فضای سایبر بر هویت زنان و دور شدن زن ایرانی از هویت‌های سنتی خود است. این پژوهش با روش پیمایشی و پرسشنامه در گروه سنی ۱۹ تا ۲۹ سال انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد فضای سایبر بر مواردی چون زن ایرانی با حقوق خود و ایجاد همبستگی و وحدت فکری و ابراز عقاید خود از طریق اینترنت تأثیرمعداری بر روی هویت زن سنتی گذاشته است. چهارچوب نظری این تحقیق برگرفته از آرای ریچارد جنکینز و آنتونی گیدنز است.

رساله کارشناسی ارشد پوراندخت جعفری نمین (۱۳۹۰) با موضوع تناقض در هویت جنسیتی دختران مجرد، که مطالعه‌ای بر دختران مجرد شهری شاغل و تحصیل‌کرده بالای ۳۵ سال است، نیز پیشینه این پژوهش است. در این تحقیق سعی شده است هویت شخصیتی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد و شکاف میان فرد و جامعه و نیز کنش و ساختار طی آن بررسی شود، همچنین فرآیند هویت‌یابی و هویت‌سازی در دوران مدرن با در نظر گرفته شدن تأثیرات دوسویه افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین و بررسی شده است. نتایج برآمده نشان می‌دهد که پس زمینه سنتی جامعه ایران به دختران اجازه نداده است که با به‌دست آوردن نقش‌های اجتماعی، نقش‌های سنتی جنسیتی خود را به کناری گذاشته یا در آن‌ها تغییراتی ایجاد کنند به طوری که گذر از این تناقض برای آن‌ها کار آسانی نخواهد بود.

مقاله ژاله شادی طلب (۱۳۸۰) با موضوع زنان ایران، خواسته‌ها و انتظارات، به بررسی روند تغییرات سیاسی اجتماعی و اقتصادی جامعه بر زنان طی دهه‌های چهل تا هشتاد می‌پردازد و تحولات واقع در این چهار دهه را در سه دسته جای می‌دهد، دوره دوگانگی‌ها، دوره دگرگون‌سازی دوگانگی‌ها پس از انقلاب و نیز دوران زمینه‌ساز که تا زمان نگارش این مقاله ادامه داشته است. به نظر محقق، تعداد زنان تحصیل‌کرده شاغل از دوره اول به سوم (۵٪ به ۲۲٪ کل جامعه) رشدی چشمگیر و اساسی داشته‌اند به طوری که جامعه به سوی همگرایی در مبانی ارزشی مربوط به زنان در حال حرکت است و بخش اصلی این تحول در توانمند شدن جامعه زنان از راه دستیابی دختران طبقه پایین اقتصادی به تحصیلات عالی و شغل است.

اما پدیده زن مجرد در خارج از کشور به عنوان نخستین پدیده عالمگیر جامعه‌شناختی قرن بیست و یکم توسط افرادی چون لیندا برگ، آن ماری شولز و جوان لانگ^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی در مرکز مطالعات زنان در آمریکا، پدیده دختران مجرد را در کشورهای کانادا، آمریکا و دانمارک و غیره بررسی شده است. این تحقیق بررسی می‌کند که چگونه قدرت‌گیری زنان با ریشه‌های اقتصادی پیش شرط‌های زندگی واقعی زنان را به چالش کشیده است.

رساله دکترای ویلیام شارما بایمر^۲ (۲۰۰۸) تحت عنوان پدیده زن تحصیل‌کرده در بنگلور هند به بررسی هویت پیچیده زنان طی چشم‌اندازی تاریخی و ارائه فهرستی کوتاه از شیوه‌های مقهور برای پاسخگویی، تطبیق و به حداکثررسانی گزینه‌های پیش روی زنان پرداخته است.

1. Berg-Cross, L., Scholz, A. M., Long, J., Grzeszyk, E., & Roy, A

2. Sharma-Brymer

تحقیقی دیگر با عنوان «هویت زن تحصیل‌کرده در هند» توسط ماری آن ماسلک¹ (۲۰۰۸) در دانشگاه سنت‌جان با بررسی اکتشافی پدیدارشناسانه و مستندسازی تجربیات ۲۵ زن شرکت‌کننده در نقاط مختلف هند انجام شده است. نتایج بر پایه تأهل استوار بود و نشان می‌داد که بر هویت زن مجرد عواملی نظیر تمایل او به دارا بودن نگرشی مثبت به زندگی توأم با تمایلی هوشمندانه نسبت به مفهوم زندگی مستقل و آموختن شیوه‌های زندگی مستقل اثر می‌گذارد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که بر هویت زنان متأهل، مجرد و بیوه عواملی نظیر هدف او برای زندگی در میان خویشاوندانش نیز اثرگذار است. در این بررسی نتایج حاصله در بستر تغییر نقش زنان و نیز اعمال هویتی چندگانه توسط آنان مورد بحث قرار گرفته است.

فاطمه سوندال² (۲۰۰۲) در ترکیه نیز در خصوص درک مسائل جنسیتی در زندگی روزمره زنان تحصیل‌کرده ترک تحقیق کرده و با شیوه مصاحبه تفصیلی و روش‌های روانکاوانه و نمونه‌برداری تئوریک دریافته است که نقش اسلام در زندگی روزمره زنان مزبور متفاوت بوده و نفوذ سنتی صوفی‌گری، روابط اجتماعی در خانواده و مقاومت طبقاتی و فرهنگی عوامل مؤثر در معنای زندگی آنان است.

ماری استون، پائولا انگلند و ایرما مویی رسی³ (۲۰۰۹) در دانشگاه آکسفورد، پژوهشی با موضوع نابرابری جنسیتی و تحصیلات انجام داده‌اند. در این بررسی نخست تحت تأثیر سطح تحصیلات، میزان نابرابری جنسی را در هلند، سوئد و ایالات متحده یعنی سه نظام رفاهی متفاوت محافظه‌کار، سوسیال دموکرات و لیبرال با یکدیگر مقایسه کرده است و در عین وجود چند استثنا مشخص می‌شود که در هر سه کشور میزان نابرابری جنسی در مشارکت نیروی کار، ساعات کاری، دست‌بندی شغلی و خانه‌داری با بالا رفتن سطح تحصیلات کاهش می‌یابد و علت آن سطح بالای اشتغال زنان تحصیل‌کرده است به رغم وجود یک الگوی مشترک در جوامع مورد بررسی این نتیجه حاصل شد که نوسان سطح برابری جنسی در سوئد کمتر از دو کشور دیگر است.

مروری بر مفاهیم و نظریات

مدرنیزاسیون

پیتر واگنر⁴ در کتاب جامعه‌شناسی مدرنیته معتقد است که روایت‌ها از پایان سوژه شروع و به فردگرایی جدید می‌رسند، از زوال جامعه شروع و به ظهور مجدد جامعه مدنی ختم می‌شوند و از پایان مدرنیته به سوی مدرنیته‌ای جدید عزیمت می‌کنند؛ همه جا آشفتگی در میان است یا چنین به نظر می‌رسد (واگنر، ۱۳۹۴: ۱۰). مدرنیته از نگاه گیدنز نوعی نظم پس از جامعه سنتی است، ولی نه آنچنان نظامی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلایی سپرده باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۷). به زعم گیدنز جوامع سنتی، متکی بر روابط اجتماعی هستند که توسط زمان و فضا در برگرفته شده است. مدرنیته باعث می‌شود که حتی انسان‌هایی که از هم دورند بتوانند در شکل‌گیری یک جامعه یا یک پدیده اجتماعی در فضای مدرن در کنار هم قرار گیرند. فاصله

1. Maslak, M. A., & Singhal,

2. Sündal, F

3. P England

4. Wagner, Peter

مکانی به معنای فاصله زمانی نیست و همسانی‌های مدرن در تنظیم زمان موجب می‌شود که فعالیت‌های اجتماعی در دور دست هم بتوانند به لحاظ زمانی همساز و هم کنش شوند (گینز، ۱۳۷۷: ۳۵).

یکی از پیامدهای عملی ویژگی‌های امر مدرن در زندگی فردی، مواجهه افراد با مفهوم «شیوه زندگی» است. در جامعه سنتی شیوه زندگی از نسل قبل پذیرفته می‌شد اما در دنیای مدرن شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درآمده و در پرتو ماهیت متغیر هویت شخصی است که با اتکا به بازتابندگی ایجاد می‌شود. از آنجایی که هویت‌های اجتماعی، متغیر و سیال بوده و در گذر زمان دگرگون می‌شوند، در فرآیند رشد و نمو هویت مدرن، نه تمامی آداب و سنن در یک زمان بلکه آن‌هایی که متناسب با شرایط خاص تاریخی-اجتماعی از پتانسیل تغییر و تحول بیشتری برخوردار بود، ارتقا یافته است. براین اساس به نظر می‌رسد شرایط جدید (از جاکندگی یا مکان‌زدایی) توانسته به روابط اجتماعی که در جامعه شکل می‌گیرد ابعاد جدیدی ببخشد که در جامعه سنتی برای افراد ممکن نبود (همان: ۲۳).

جهانی شدن

«جهانی‌شدن»^۱ را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را هم چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهایی که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس (گینز، ۱۳۷۷: ۷۷). جهانی شدن بیش از آن‌که آغاز فرایندها و کنش‌های جدید در جهان باشد نشانگر آگاهی به این موضوع است که امروزه زندگی اجتماعی را نه در قالب یک نظم محدود و مکان‌مند، بلکه باید در گستره زمان و فضای جهانی شناسایی و بررسی کرد (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۳۰).

رابرتسون^۲ معتقد است جهان از «در خود بودن» به سمت «برای خود بودن» حرکت کرده است (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۱۲۶). مفهوم جهانی شدن هم به در هم فشردن شدن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (همان، ۳۵). یکی از مهم‌ترین نیروهای محرک پدیده جهانی شدن، انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات بوده است. نخستین تأثیر این انقلاب، پدیده همگرایی است که نشان‌دهنده ارتباطات روز افزون و تنگاتنگ بین اقتصاد بخش‌های گوناگون جهان است که در آن شرکت‌ها و صنایع کشورهای مختلف به‌طور مستمر به مبادلات تجاری می‌پردازند و این ارتباطات را مرزهای ملی و موانع تجاری محدود نمی‌کنند و نوعی آزادی اقتصادی ایجاد نموده که منجر به توسعه زیرساخت‌ها خواهد شد (همان: ۱۲۷-۱۳۷). همچنین مدرنیته ظرفیت‌های رایج افراد را در جوامع سنتی با استفاده از سنت، دین، عقل و معاش به عنوان ابزاری برای تصمیم‌سازی و طراحی ابزارهای زندگی، ضعیف و فرسوده می‌کند (علیرضائزاد، ۱۳۸۶: ۲۶). فوکویاما^۳ از نظریه‌پردازان معاصر آمریکا، «جهانی‌شدن» را به معنای گسترش فرهنگ غربی و سیطره تمدن آمریکا بر جهان می‌داند و از آن به عنوان پایان تاریخ تعبیر می‌کند و آن را معادل جهانی‌سازی غرب، غربی‌سازی و گسترش تمدن غرب می‌داند (داوودی، ۱۳۸۳: ۲۸).

جهانی شدن و اشتغال

1. Globalization

2. Roland, Robertson

3. Fukuyama, Francis

در دوره اخیر تعداد مزدبگیران در بخش‌های خدماتی و ورود زنان در فعالیت اقتصادی افزایش بسیاری یافته است. اما ورود زنان به بازار کار بیش از همه (به میزانی کمتر یا بیشتر برای تمام کشورهای سرمایه‌داری صحیح است) در بخش‌های غیرصنعتی رخ داده است که از مهارت‌های کمتر برخوردارند (خرده‌فروشی، کارهای اداری، خدمات، حال آن که نسبت زنان در مناصب مدیریت کم و بیش پایدار مانده است) و در جایگاه‌های نسبتاً زیردست در سلسله مراتب اقتدار واقع شده‌اند. همچنین زنان نه تنها قربانی اصلی بازتولید تقسیم کار درون کارمزدی غیرمولدند بلکه این امر در مورد آنان با اشکال گوناگون ستم جنسی در فرآیند کار، در روابط استثمار و سلطه سیاسی-ایدئولوژیک تکمیل می‌شود. این عنصر نقش خاص خود را ایفا می‌کند، نقشی مشابه پدیده نژادپرستی که کارگران مهاجر از آن رنج می‌برند (پولانزاس، ۱۳۹۰: ۳۸۴). بدین ترتیب هر چند افزایش کارمزدی زنان موجب افزایش درآمد شخصی و نیز قدرت‌شان در خانواده می‌شود، اما از آن جا که هنوز بخش عمده‌ای از انجام خدمات درون منزل بر دوش زنان است، پیشرفت شغلی آن‌ها با هزینه زیاد فشار روانی و فرسایش همراه است (استفورد، ۱۳۹۱: ۱۰۳). این تحلیل و توجه به سویه‌های مختلف آن باید از دقت و موشکافی زیادی برخوردار باشد چرا که بی‌توجهی به این امر می‌تواند به مخالفت با حق زنان برای اشتغال و حضور پویا در جامعه سوء تعبیر شود.

جنسیت

مفهوم جنسیت^۱ مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهای به طور فرهنگی شکل گرفته که به شخص مونث یا مذکر نسبت داده می‌شود (هام، ۱۳۸۲: ۱۸۱). جنسیت مقوله‌ای است در برابر مفهوم جنس^۲، بدین صورت که جنسیت مجموعه‌ای از صفات و رفتارها است که به زن یا مرد نسبت داده می‌شود و ساخته و پرداخته جامعه است. تفاوت‌های جنسی ممکن است «طبیعی» باشند اما تفاوت‌های جنسیتی ریشه در فرهنگ دارند نه در طبیعت و از این رو تغییرپذیرند. تمایزهای جنسیتی با تشکیل چهارچوبی بی چون و چرا که جامعه از دریچه آن به زن و مرد می‌نگرد به همه جنبه‌های زندگی ما شکل می‌دهند و نظام سلطه مردانه بر پایه همین تمایزها استوار است (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

هویت

اصطلاح هویت^۳ در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرآیند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت، منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی‌سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

1. Gender

2. Sex

3. Identity

یکی از نظریه‌پردازان دیدگاه کنش متقابل، مید است. به عقیده وی جامعه انسانی آنچنان که آن را می‌شناسیم، نمی‌تواند بدون «ذهن‌ها» و «خودها» وجود داشته باشد، زیرا اختصاصی‌ترین سیماهای جامعه انسانی، داشتن ذهن‌ها و خودها به وسیله اعضای فردی‌اش را در نظر می‌گیرد (بلومر، ۱۳۷۳: ۱۷۳). اینکه مید عنوان می‌کند انسان‌ها دارای «خود» هستند، به این معنا است که انسان می‌تواند موضوعی برای خویش شود. انسان می‌تواند تحت عنوان موضوع‌های مختلفی به خویشتن بنگرد، همچون مرد یا زن بودن، کودک یا بالغ بودن، اعضای این یا آن گروه قومی یا ملی بودن. برای اینکه انسان موضوعی برای خویشتن شود، لازم است که در موقعیت کنش متقابل با خویش قرار بگیرد، یعنی در مقابل خودش بایستد، به آن نزدیک شود و سخن بگوید و به این ترتیب خود را به عنوان مرد، دانشجو، دارای شغل و غیره، به خویشتن معرفی کند. بدین ترتیب کنشگر وارد کنش متقابل با خویشتن می‌شود. از نظر مید بازی کودکانه و سپس بازی دسته‌جمعی مراحل اساسی در تکوین و توسعه «خود» است.

به‌نظر گیدنز هویت عبارت است از خود، آن‌طور که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی، پیوسته آن را تغییر می‌دهد. هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۱).

هویت اجتماعی

جنکینز معتقد است، هویت اجتماعی دستاوردی عملی به‌شمار می‌رود، یعنی فرآیندی است که می‌توان آن را با به‌کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. هویت‌های اولیه مانند خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و غیره، در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی، از استحکام بیشتری برخوردار هستند. همچنین گروه خویشاوندی، منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه اجتماع، دارای اهمیت کانونی هستند. نهادها به‌عنوان الگوهای جاافتاده عمل می‌کنند و سازمان‌ها به‌عنوان نمود رده‌بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چهارچوب آن‌ها، تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شود و در چهارچوب مناسبت‌های قدرت به آن‌ها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۴-۳۶).

تاجفل^۱ معتقد است که افراد برای اثبات برتری گروه خودشان به مقایسه گروه خودی با دیگر گروه‌ها می‌پردازند و با این کار ارزش گروه خودشان را در رابطه با گروه‌های شبیه نشان می‌دهند تاجفل این فرآیند را که افراد خودشان، درون گروه را از برون گروه جدا می‌کنند، مقوله‌بندی اجتماعی می‌نامد. به نظر تاجفل، هویت اجتماعی در یکی از همین فرآیندهای درونی کردن مقوله‌بندی‌های اجتماعی پدید می‌آید (ایمان وکینقان، ۱۳۸۲: ۸۲).

هویت جنسیتی^۲

جنس بیولوژیکی، هویت جنسیتی، نقش جنسیتی و گرایش جنسیتی، جنبه‌های جداگانه مردانگی و زنانگی است و شاید به شیوه‌های مختلف با هم در ارتباط باشد. هویت جنسیتی

1. Henri Tajfel

2. Gender Identity

تقریباً همیشه با جنس بیولوژیکی در یک جهت قرار دارد، به گونه‌ای که در مردان بیولوژیکی، هویت جنسیتی مردانه و در زنان بیولوژیک، هویت جنسیتی زنانه به وجود می‌آید (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۷: ۱۳-۲۰). فمینیست‌های دیدگاه تفاوتی نیز، بر جنس که مقوله‌ای کاملاً زیستی است پافشاری می‌کنند و معتقدند زنان، زندگی روحی، ارزش‌ها، منابع خلاقیت، هویت، تمایلات جنسی و آگاهی و ادراک و بینش کاملاً متفاوتی از مردان دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۱). گروهی این تفاوت را مبتنی بر تفاوت در دستگاه تناسلی، هورمون‌های جنسی و توانایی باروری می‌دانند (همان: ۴۷۱). می‌توان گفت، مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جنسیتی، خانواده است. چنانچه نظریه‌های اجتماعی شدن بر تجربه‌های یادگیری انسان در طول عمر، به‌ویژه دوران کودکی و آمادگی وی برای ورود به عرصه‌های زنانه - مردانه تکیه کرده‌اند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۳). سیمون دوبوار معتقد است که انسان، «زن» زاده نمی‌شود بلکه به صورت «زن» درمی‌آید (دوبوار، ۱۳۷۹).

سرمایه جنسی

سرمایه جنسی، از چند مؤلفه مختلف تشکیل شده‌است، این مؤلفه‌ها در دوره‌های مختلف می‌تواند کمتر یا بیشتر باشد. مؤلفه‌هایی چون زیبایی، جذابیت جنسی، مؤلفه اجتماعی، مانند خوش‌مشربی، دلربایی و سرزندگی، همچنین شیوه ظاهر شدن در جامعه با مؤلفه سبک لباس پوشیدن، آرایش چهره، عطر و جواهرات و دیگر تعلقاتی است که، افراد با خود حمل می‌کنند. مؤلفه مهارت جنسی و انرژی تخیل شهوانی، بازیگوشی و در مجموع هر چیزی که فرد را از نظر جنسی تبدیل به یک شریک عاطفی جنسی موفق می‌سازد، در مبحث سرمایه جنسی مطرح است.

به زعم کاترین حکیم^۱ در جوامع جنسی شده و فرد محور امروزی، سرمایه جنسی اهمیت و ارزش بیشتری یافته‌است. ایندولوژی پدرسالارانه به شکل نظام‌مندی، سرمایه جنسی زنان را مبتذل جلوه داده‌اند تا زنان را از تبدیل کردن این دارایی به یک سرمایه و ایجاد هزینه برای مردان منصرف کنند (حکیم، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۷).

هویت حرفه‌ای

پیرسون ضمن بررسی الگوهای از تفاوت جنسیتی در فرآیند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، اظهار می‌دارد زنان نسبت به مردان هویت حرفه‌ای ضعیف‌تری دارند. پژوهش پیرسون بیانگر آن است که توسعه هویت حرفه‌ای و هویت شخصی برای مردان به‌طور همزمان انجام می‌پذیرد ولی تجربه زنان متفاوت است؛ یعنی هویت حرفه‌ای زنان در فرآیند متمایز نسبت به هویت فردی آنان شکل می‌گیرد.

نتایج پژوهش کیگان^۲ (۱۹۹۴) بر اساس مدل مارسیا بیانگر آن است که هویت حرفه‌ای به توسعه دیگر ابعاد هویت کمک می‌کند. بر این اساس توسعه هویت حرفه‌ای زنان، خود ارزیابی آن‌ها را بهبود می‌بخشد و زنان تصور بهتری از خود به‌دست می‌آورند. به گفته صاحب‌نظران، عاملی که سرنوشت دختران را در بازار کار تعیین می‌کند گزینه‌ای دلخواه خود آن‌ها است که بسیار پیش از اینکه به بازار کار وارد شوند، شکل می‌گیرد. به زعم برخی از آنان، دختران صرفاً به مشاغلی وارد می‌شوند که در دسترس

1. Catherine Hakim

2. Kegan

آنان قرار دارد و انتظارات خود را با آن وفق می‌دهند. برخی دیگر بر این باورند که گزینه‌های دلخواه دختران واقع‌بینانه نیست و بیشتر تحت تأثیر جاذبه‌های کار است تا واقعیت‌های بازار. بسیاری از دختران، کارهای اداری و دفتری را بسیار مطلوب و زنانه می‌دانند، چون تمیز و آبرومند است و به آن‌ها امکان شیک پوشی می‌دهد (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۱۱۰۶).

باکستر ماگولد^۱ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که یکی از اهداف اصلی آموزش عالی، آماده کردن شهروندان، به‌ویژه زنان، برای مشارکت مؤثر در جامعه معاصر است. همچنین به نظر می‌رسد زنانی که وارد بازار کار می‌شوند در شکل دادن به ابعاد دیگر هویت فردی خود توانا تر خواهند بود، به عبارت دیگر احتمال شاغل شدن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، در جدایی زنان از هویت زنانه سنتی تأثیرگذار خواهد بود.

روش‌شناسی

روش انجام این تحقیق از نوع ترکیبی است و روش ترکیبی عبارت است از ترکیب روش‌های کمی و کیفی. در این روش پژوهشگر با استفاده از رویکرد دو مرحله‌ای، یک مرحله کیفی از پژوهش و سپس مرحله جداگانه کمی را اجرا می‌کند (علیرضائاد، ۱۳۸۳: ۶۷). در بخش کیفی پژوهش، با ۱۰ نفر از دختران شاغل استانبولی و ۱۰ نفر از دختران شاغل ساکن تهران با میانگین سنی ۲۵-۳۵ سال مصاحبه شده است. این مصاحبه‌ها، که بخش اصلی گردآوری اطلاعات کیفی این پژوهش بود، به روش مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد و داده‌های فراوان و ارزشمندی را در اختیار پژوهشگر قرار داد، داده‌هایی که دستیابی به آن‌ها با روش‌های کمی و ابزار پرسشنامه ناممکن یا بسیار مشکل بود. استخراج مفاهیم و مقوله‌های داده‌های گردآوری شده با کدگذاری باز انجام شد و پرسشنامه بخش کمی بر مبنای مفاهیم به‌دست‌آمده تنظیم شد. زمان مصاحبه از حداقل ۳۵ دقیقه تا حداکثر ۹۰ دقیقه بود. در هر مصاحبه ابتدا پس از گپ کوتاهی با فرد بدون اینکه اطلاعات خاصی به وی داده شود، خواسته شد تا ابتدا خود را معرفی کند و درباره خودش به عنوان یک زن و خاطرات و تجربیات زنانه‌اش صحبت کند. پس از آن گفتگو به سوی شغل پاسخگو و لزوم آن و تأثیرات تحصیلات و کار بر روند زندگی آنان هدایت شد. در خلال صحبت‌ها، گاه مصاحبه‌شونده بحث‌هایی را که مدنظر این بررسی بود، پاسخ می‌داد و در موارد اندکی چالش‌هایی برای رسیدن به هدف مصاحبه پیش می‌آمد. روش نمونه‌گیری، سهمیه‌ای و به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی انجام شد. همچنین در بخش کمی پیمایش با پرسشنامه طراحی شده توسط پژوهشگر، از میان ۱۲۰ دختر تهرانی و ۸۰ دختر استانبولی داده‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش کیفی برای استخراج مفاهیم، مصاحبه‌هایی با نمونه‌های مورد نظر در دو شهر تهران و استانبول انجام شد. با دسته‌بندی مطالب و حذف موارد نامربوط، از داده‌های مرتبط مفاهیم استخراج شد. مفاهیم استخراج شده پایه‌ای برای طراحی سؤالات پرسشنامه نیز بود.

انتظار دختران از الگوی زندگی حرفه‌ای

¹. Baxter Margolda, M

به طور کلی در باورهای سنتی خانواده ایرانی برای کمک مالی به خانواده از دختران توقعی وجود ندارد و اشتغال دختران در اکثر مواقع بهترین شیوه برای گذران اوقات فراغت و معاشرت در جامعه قلمداد می‌شود. در مواردی که دختران موفق می‌شوند از طریق ازدواج و بهرمندشدن از قوانین حمایتی در حوزه مالی (نفقه)، جایگاه باثباتی به‌دست آورند، تمایلی به ادامه موقعیت شغلی خود ندارند.

هویت حرفه‌ای چه پیامدی برای دختران دارد و کدامیک از نیازهای آنان را تأمین می‌کند؟ بر مبنای مصاحبه‌های انجام شده با برخی از دختران، هویت حرفه‌ای عاملی برای رهایی از سنت‌های خانوادگی دست و پاگیر است. عده‌ای برای تأمین هزینه‌های زندگی، ناگزیر به کار کردن هستند. برخی شغل را وسیله‌ای برای حفظ جایگاه اجتماعی، موفقیت در جامعه و دیده‌شدن می‌دانند و گروهی دیگر آن را عاملی برای اطمینان از آینده‌ای مطمئن و حفظ استقلال از همسر در زندگی مشترک تلقی می‌کنند. عمدتاً دختران ترک، با استقلال در عرصه مادی، سهم بیشتری برای مشارکت در مخارج خانواده برای خود باز کرده‌اند، حتی اگر انتظاری از سوی خانواده‌شان نیز وجود نداشته‌باشد. به‌طورکلی، دو رویکرد در مصاحبه‌های دختران پاسخگو مشاهده شد: اول، کار به مثابه روندی طبیعی در زندگی امروزی و دوم، انتخاب زندگی حرفه‌ای به مثابه جایگزینی برای زندگی خانوادگی، که بیشتر در گفتگو با دختران تهرانی مشاهده شد.

1- تجربه زندگی حرفه‌ای

1-1- زندگی حرفه‌ای به مثابه امری طبیعی در روند زندگی

در گفتگوها به نظر می‌رسید، عمدتاً دختران ترک، کار را سیر طبیعی زندگی فردی خود، به واسطه تحصیلاتشان، می‌دانند. شاغل بودن در هدف‌گذاری‌های فردی و خانوادگی آن‌ها، حتی قبل از ورود به دانشگاه، به‌طور چشمگیری قابل ملاحظه است؛ طوری که دختران بر اساس یک باید نانوشته، خود را ملزم به کارکردن می‌دانند و این الزام را ادامه طبیعی زندگی، به‌ویژه پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، برمی‌شمرند.

2- زندگی حرفه‌ای به مثابه جایگزینی برای زندگی خانوادگی

مقایسه دختران استانبولی و تهرانی نشان می‌دهد، برخی از دختران تهرانی در ابتدا قصد انجام فعالیت حرفه‌ای نداشته‌اند اما، تأخیر در ازدواج و تغییر در برنامه‌های زندگی آن‌ها برای تحقق نقش همسری و مادری، به انتخاب هویت حرفه‌ای انجامیده است. گفتگوها بیانگر آن است که برخی از دختران تهرانی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، در انتخاب شغل، بیش از هرچیز، به حفظ جایگاه و منزلت کاری خود توجه دارند و شغل را بیشتر به‌دلیل جنبه لوکس و تزیینی آن انتخاب می‌کنند. مثلاً بهار برای دور شدن از فشار خانواده کار می‌کند و می‌گوید که درآمدش تنها صرف هزینه‌های شخصی می‌شود. دلایلی که دختران برای اشتغال خود بیان می‌کنند، عبارت است از: ناکامی در ازدواج، تلاش برای خروج از فشارهای خانواده، به‌دست آوردن استقلال در دوران ناگزیر مجردی، دستیابی

به آزادی در معاشرت و ارتباط با دیگران و کسب استقلال مادی به طوری که کفاف خواسته‌ها و هزینه‌های آنان را بدهد.

جدول ۱: انتظارات پاسخگویان از زندگی حرفه‌ای

دختران استانبولی		دختران ایرانی	
کار به مثابه روند طبیعی زندگی امروزی	الزام به اداره زندگی خود	جایگزینی برای زندگی خانوادگی	کسب درآمد
نتیجه‌گیری از تحصیلات	کسب احترام از اطرافیان	احساس استقلال داشتن	جلب توجه دیگران
آزادی در رفت و آمد	کار کردن منطبق با شیوه تربیتی	کاهش فشار خانوادگی برای ازدواج	آزادی در رفت و آمد دیگران
کاهش کنترل مردان خانواده	کسب درآمد	کسب اعتماد به نفس	پر کردن اوقات فراغت
کار کردن در خانواده موروثی است	تنها چیزی که برای فرد می‌ماند کار کردن اوست	کاهش کنترل خانوادگی	از سر اجبار و ناچاری
کمک به مخارج خانواده	عزت نفس		

از سوی دیگر بر اساس محتوای مصاحبه‌ها، مشاهده شد دختران ترک نسبت به دختران تهرانی، در سنین پایین‌تری به حرفه و شغل مشغول می‌شوند و برای آنان، مفهوم کار فارغ از جایگاه ممتاز اجتماعی آن مطرح است، به طوری که دختران استانبولی مشارکت‌کننده در این پژوهش، به راحتی وارد مشاغل می‌شوند که دختران تهرانی مورد پژوهش از ورود به آن حرفه ابا داشته‌اند. مقایسه دختران استانبولی و تهرانی مشارکت‌کننده نیز نشان می‌دهد که، دختران تهرانی بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی انتظار بالایی در انتخاب شغل دارند و به دنبال جایگاه و پرستیژ حرفه‌ای هستند؛ اما دختران استانبولی چه قبل و چه بعد از تحصیلات دانشگاهی، دیدگاه متفاوت‌تری نسبت به شغل دارند و حاضر به انجام مشاغل کم‌تخصص‌تر نیز هستند. آنان کار را صرفاً به منظور اشتغال و درآمدزایی انجام می‌دهند و در آغاز مسیر شغلی به دنبال موقعیت‌های بالای حرفه‌ای نیستند.

۲- بازتعریف مفهوم زنانگی

در مباحث جامعه‌شناسی جنسیت، تغییر و بازتولید مفهوم زنانگی و تغییر نگرش‌ها و رویکردهای جامعه مدرن نسبت به این مفهوم مورد توجه است. در جامعه سنتی، زنانگی بیش از هر چیز با نقش‌هایی چون خانه‌داری و فرزندآوری پیوند خورده است، تا آنجا که توانایی زن در تولیدمثل به عنوان معیاری برای سنجش جایگاه و قدرت او در خانواده همسر تلقی می‌شود؛ اما مفاهیم دنیای مدرن شاخصه‌های فردمحورانه دیگری برای زنان نیز به همراه آورده است و مفاهیمی چون حرفه‌ای بودن، استقلال مالی، توجه به زیبایی ظاهری، جذابیت، تبعیت از مد و مقابله با پیری را برای زنان پررنگ کرده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، به نظر می‌رسد در بیشتر موارد دختران مورد بررسی، به نوعی در بازتولید عناصر زنانگی همسو با مادران خود هستند. احتمالاً، توجه به سرمایه جنسی تنها عاملی است که آنان را نسبت به نسل‌های پیش از خود متمایز می‌کند.

۱- فرزندآوری

در بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله ایران، مادر واژه‌ای اسطوره‌ای و دارای ارزش مثبت و نقش تقدیس شده‌ای است. در عین حال از نقش مادری به عنوان معتبرترین بخش هویت

جنسیتی یاد می‌شود. درصد بالایی از زنان و دختران، همچنان به دیده تقدیس و احترام به نقش «مادری» نگاه می‌کنند و آن را موهبتی ویژه می‌دانند. با توجه به داده‌های به‌دست آمده از گفتگو با دختران استانبولی و تهرانی، تقریباً همه آن‌ها، به‌میزان مشابهی تمایل به فرزندآوری دارند و نگرانی از افزایش سن و ناتوانی در فرزندآوری، دغدغه مشترک بسیاری از این دختران است. گاه برخی از این دختران وقتی خود را در سنی تصور کنند که امکان باروری آنان کاهش یافته، حاضرند از معیارها و خواسته‌های خود در انتخاب همسر دست بکشند و صرفاً ازدواجی برای داشتن فرزند انجام دهند. در مصاحبه‌ها مشاهده شد برخی از دختران تهرانی و استانبولی حاضرند برای تربیت و مراقبت از فرزندشان و نه صرفاً به دلیل ازدواج، از کار خود دست بکشند و خانه‌داری را انتخاب کنند، بدین معنا که آنان هویت جنسیتی خود را بر هویت حرفه‌ای ترجیح می‌دهند و اولویت اصلی آنان زن بودن و مادر شدن است.

جدول ۲: بازتعریف عناصر زنانگی در دختران به تفکیک دو شهر تهران و استانبول

دختران تهرانی		دختران استانبولی	
اهمیت مادری و تشکیل خانواده	عدم تمایل به لقاح مصنوعی برای داشتن فرزند	ضرورت جراحی زیبایی برای حفظ سرمایه جنسی	اشتغال تامین‌کننده نیازهای مالی و استقلال فردی هنگام مجردی
بچه نداشتن به معنای بی‌ثمر بودن زن	دست کشیدن از هویت حرفه‌ای به خاطر فرزند	اشتغال با موقعیت مناسب برای دستیابی به ازدواج موفق	نامطلوب دانستن لقاح مصنوعی برای فرزند داشتن
اعتقاد به تساوی زن و مرد در روابط جنسی پیش از ازدواج	عدم اعتماد به مردان در رابطه جنسی	اهمیت مادر شدن	نداشتن فرزند در آینده آزار دهنده است
عدم تمایل به جراحی زیبایی برای افزایش سرمایه جنسی	نگران از دست دادن سرمایه جنسی در روابط پیش از ازدواج	تمایل به داشتن فرزند خوانده در آینده	نگران درنسر روابط پیش از ازدواج
فرزند نداشتن یعنی تنهایی در آینده	تمایل به اشتغال حتی در صورت ازدواج		

دختران تهرانی نیز مانند دختران استانبولی نقش فرزندآوری را پررنگ تصور می‌کردند و از مجرد و بالارفتن سن خود برای فرزندآوری نگران بودند. آنچه از صحبت‌های دختران تهرانی نیز برداشت می‌شد، اشتیاق سرپوش گذاشته شده نسبت به حس مادری و فرزندآوری است. مثلاً بهار می‌گوید: «از این که سن و سالی ازم بگذرد و نتوانم بچه‌دار شوم واقعاً نگرانم، من باید برای بچه‌دار شدن هم که شده ازدواج کنم و این قضیه مطمئناً در سال‌های آینده برایم آزاردهنده است.»

هویت جنسیتی در بخش کمی، با جمع 30 گویه ساخته شد و با توجه به تقسیم‌بندی امتیازها به چهار گروه هویت جنسیتی در سطح خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط و هویت جنسیتی در سطح قوی دسته‌بندی شد که حداقل آن 73 و حداکثر آن 131 بود (جدول 3).

جدول شماره ۳: جدول دوبعدی رابطه بین هویت جنسیتی و محل سکونت

محل سکونت / گویه	هویت جنسیتی			
	هویت جنسیتی قوی	هویت جنسیتی متوسط	هویت جنسیتی ضعیف	هویت جنسیتی خیلی ضعیف
تهران	3 %2.5	13 %10.8	40 %33.3	24 %20
استان‌بول	8 %6.7	7 %5.8	20 %16.7	5 %4.2
جمع	11 %9.2	20 %6.7	60 %50	29 %24.2
جمع	80 %66.7	40 %33.3	120 %100	

با توجه به یافته‌های جدول می‌توان گفت، بین هویت جنسیتی و محل سکونت رابطه وجود دارد. این بدان معنا است که هویت جنسیتی نزد دختران استانبولی و تهرانی به‌طور یکسان درک نمی‌شود، اما همین شرایط برای هویت حرفه‌ای وجود ندارد.

Sig	DF	Valu
0.012	3	10.93

از سوی دیگر به رغم تمایل زیاد دختران به مادر شدن، مشاهده می‌شود که بیش از 42 درصد پاسخگویان تهرانی با این پرسش که «زن هر قدر کم‌سن‌تر باشد، راحت‌تر تصمیم به ازدواج می‌گیرد» مخالف و کاملاً مخالف هستند و تنها 16 درصد از آنان با این گویه موافقت کردند. در عین حال 41 درصد نیز در این باره نظری نداشتند. جدول (5) بیانگر واکنش پاسخگویان تهرانی در برابر این پرسش است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان نسبت به تصمیم‌گیری ازدواج در سن کم (دختران تهرانی)

درصد فراوانی	فراوانی	زن هر قدر کم‌سن‌تر باشد راحت‌تر تصمیم به ازدواج می‌گیرد
1.2	1	کاملاً موافقم
15	12	موافقم
41.2	33	نظری ندارم
26.2	21	کاملاً مخالفم
16.2	13	مخالفم
100.0	80	جمع

میزان مخالفت با تصمیم‌گیری در سن کم برای ازدواج در بین دختران استانبولی به بیش از 52 درصد می‌رسد و حدود 7 درصد با این گویه موافقت داشته‌اند (جدول 6).

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان نسبت به تصمیم‌گیری ازدواج در سن کم (دختران استانبولی)

درصد فراوانی	فراوانی	زن هر قدر کمین‌تر باشد راحت‌تر تصمیم به ازدواج می‌گیرد
2.5	1	کاملاً موافقم
5.0	2	موافقم
40.0	16	نظری ندارم
20.0	8	کاملاً مخالفم
32.5	13	مخالفم
100.0	40	جمع

۳- سرمایه جنسی

سرمایه جنسی موضوعاتی نظیر زیبایی، جذابیت جنسی، سرزندگی، زکاوت، خوش پوشی، دلربایی و مهارت‌های اجتماعی و جنسی را در برمی‌گیرد (حکیم، 1391: 24). سرمایه جنسی، آمیزه‌ای از جذابیت‌های اجتماعی و ظاهری محسوب می‌شود که در کنار سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی در معادلات زندگی اجتماعی زنان در ارتباط با مردان نقش ایفا می‌کند. آنچه میان دختران استانبولی و تهرانی مشترک بود، نگرانی از سرمایه جنسی خود است که یکسویه به نفع مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد. دختران تهرانی و استانبولی نگرانی بزرگی در پس ذهن خود نسبت به روابط اجتماعی با مردان دارند که روابط مردان به قصد بهره‌برداری جنسی از آن‌ها است و مردان بدون توجه به خواست دختران می‌خواهند استفاده جنسی کنند و بعد از آن در بسیاری موارد دختران با بی‌مهری و ناملایمتی مردانه برخورد داشته‌اند.

داده‌های به‌دست آمده از گفتگو با دختران تهرانی نیز حاکی از آن است که دختران دلیل عمده ارتباط مردان را دستیابی جنسی می‌دانند و از این خواست یکسویه آنان، احساس ناخوشایندی دارند. این دختران هنوز تحت فشارهای سنتی جامعه قرار دارند و رابطه جنسی با مردان، قبل از ازدواج، را در دسرساز می‌دانند.

همانطور که ذکر شد، سرمایه جنسی شامل استفاده از زیبایی‌های ظاهری و توانمندی‌های جنسی و رفتاری افراد در رابطه با دیگر افراد جامعه است. در این بررسی نیز مشاهده می‌شود حفظ سرمایه جنسی برای دختران ایرانی، و به نسبت کمتری دختران استانبولی، همچنان اهمیت دارد. بر اساس توزیع فراوانی پاسخگویان نسبت به پرسش «عمل‌های زیبایی برای جلب توجه و علاقه مردان لازم است» در جدول 4-16 مشاهده می‌شود که بیش از ۳۲٪ از پاسخگویان تهرانی با این پرسش کاملاً موافق و موافق هستند، ۴۱.۲٪ نظری نسبت به این پرسش ندارند و ۲۶٪ کاملاً مخالف و مخالف اند. با توجه به جدول ۷ پاسخگویان استانبولی در دختران استانبولی، بیشترین فراوانی در مخالفان انجام جراحی زیبایی مشاهده می‌شود، حدود ۳۵٪، که کمی بیشتر از دختران تهرانی است و موافقان جراحی زیبایی در بین دختران ترک ۳۲٪ است.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخگویان نسبت به انجام عمل‌های زیبایی برای جلب توجه مردان (دختران تهرانی)

درصد فراوانی	فراوانی	عمل‌های زیبایی برای جلب توجه و علاقه مردان لازم است
23.8	19	کاملاً موافقم
8.8	7	موافقم
41.2	33	نظری ندارم
16.2	13	کاملاً مخالفم
10.0	8	مخالفم
100.0	80	جمع

در باور عام این تصور وجود دارد که مردها همیشه در رویای داشتن یک زن زیبا هستند، حتی اگر خودشان زشت باشند؛ بر این اساس گفته می‌شود که عقل مردان به چشمشان است. به نظر می‌رسد گاه تلاش دختران برای زیباتر شدن و جلب توجه مردان به سبب همین باور رایج است.

جدول شماره ۸ : توزیع پاسخگویان نسبت به انجام عمل‌های زیبایی برای جلب توجه مردان (دختران استانبولی)

عمل‌های زیبایی برای جلب توجه و علاقه مردان لازم است	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً موافقم	4	10.0
موافقم	9	22.5
نظری ندارم	13	32.5
کاملاً مخالفم	10	25.0
مخالفم	4	10.0
جمع	40	100.0

۴- تغییر در نوع ارتباط با مردان

به نظر می‌رسد دختران استانبولی و تهرانی به‌عنوان اعضای جوامعی مسلمان با بافت سنتی، برای ارتباط با مردان، تا حد زیادی با محدودیت‌های مشترکی مواجه‌اند و این محدودیت‌ها را ناشی از جبر جغرافیایی منطقه و خانواده خود می‌دانند. با این حال، گروهی دیگر این ارتباط را حق طبیعی خود دانسته و خواستار تساهل جامعه و تغییر دیدگاه در این خصوص هستند. در میان دختران تهرانی نیز وضعیتی مشابه دیده می‌شود؛ عده‌ای رابطه را حق طبیعی خود می‌دانند که باید از این حق دفاع کرد، در حالی که برخی دیگر، با تکیه بر هنجارهای سنتی خانواده، آن را در دوران مجردی عملی نادرست تلقی می‌کنند.

۵- ملاک‌های موفقیت اجتماعی برای دختران

شاخصه‌های موفقیت اجتماعی با توجه به جوامع سنتی و مدرن، دارای تفاوت‌هایی است. برخی ازدواج و یافتن همسری مطلوب را ملاک موفقیت می‌دانند و برخی شغل و موقعیت حرفه‌ای و تحصیلی مطلوب و برخی هر دو را. بررسی‌ها نشان می‌دهد دختران تهرانی، ابتدا موفقیت را در ازدواجی مناسب می‌دانستند و با ناکامی در این امر، آن را با دستیابی به هویت حرفه‌ای تغییر می‌دادند، اما دختران استانبولی موقعیت حرفه‌ای و هویت جنسی را همزمان می‌خواهند.

جدول شماره ۹ : جدول دو بعدی رابطه بین اشتغال و زندگی کردن به شیوه‌ای که دوست داریم (دختران تهرانی)

تعارض هویت حرفه‌ای و جنسیتی؛ مقایسه‌ای میان دختران شاغل و تحصیل‌کرده...

شغلم باعث شده دستم تو جیب خودم باشد						گویه شغلم باعث شد به شیوه‌ای که دوست دارم زندگی کنم
کاملاً موافقم	موافقم	تاحدودی	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع	
0 0.0%	0 0.0%	0 0.0%	0 0.0%	1 1.2%	1 1.2%	کاملاً موافقم
0 0.0%	0 0.0%	1 1.2%	0 0.0%	0 0.0%	1 1.2%	موافقم
0 0.0%	3 3.8%	23 28.8%	1 1.2%	6 7.5%	33 41.2%	تاحدودی
3 3.8%	2 2.5%	3 3.8%	1 1.2%	1 1.2%	10 12.5%	مخالفم
1 1.2%	5 6.2%	8 10.0%	10 12.5%	11 13.8%	35 43.8%	کاملاً مخالفم
4 5.0%	10 12.5%	35 43.8%	12 15.0%	19 23.8%	80 100.0%	جمع

مقدار معنادار به دست آمده نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر بین اشتغال و «شغلم باعث شده به شیوه‌ای که دوست دارم زندگی کنم» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: جدول دویعدی رابطه بین اشتغال و زندگی کردن به شیوه‌ای که دوست دارم (دختران استانبولی)

شغلم باعث شده دستم تو جیب خودم باشد						گویه شغلم باعث شد به شیوه‌ای که دوست دارم زندگی کنم
کاملاً موافقم	موافقم	تاحدودی	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع	
0 0%	0 0%	2 5%	1 2.5%	1 2.5%	4 10%	کاملاً موافقم
0 0%	0 0%	5 12.5%	0 0%	0 0%	5 12.5%	موافقم
0 0%	3 7.5%	5 12.5%	2 5%	0 0%	10 25%	تاحدودی
0 0%	2 5%	0 0%	0 0%	0 0%	2 5%	مخالفم
6 15%	5 12.5%	3 7.5%	1 2.5%	4 10%	19 47.5%	کاملاً مخالفم
6 15%	10 12.5%	15 37.5%	4 10%	5 12.5%	40 100%	جمع

مقدار معنادار به‌دست آمده نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر بین اشتغال و «شغل باعث شده به شیوه ای که دوست دارم زندگی کنم»، رابطه معناداری وجود دارد.

استقلال‌خواهی دختران

تصور بر این است که دختران تحصیل‌کرده و شاغل که توان دسترسی به منابع قدرت و ثروت در جامعه را دارند، بتوانند با استقلال خود از فشارهای سنتی خانواده بکاهند و تغییراتی متناسب با آن در زندگی خود ایجاد کنند. عده‌ای با مشارکت در هزینه‌های خانواده می‌توانند تا حدودی به استقلال خود بیافزایند و عده‌ای با یافتن فضاهای دوستانه و اجتماعی بازتر این محدودیت‌ها را برطرف می‌کنند. به‌طور معمول دختران قبل از دستیابی به هویت حرفه‌ای استقلال کمتری دارند و تابع نظر خانواده‌اند، که در این میان گاه مجبور به پذیرش ازدواج اجباری و سرگرم شدن با نقش‌های سنتی زنانه می‌شوند. اما داده‌های کمی به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها بیانگر آن است که بیش از ۷۰٪ از دختران ترک با این مسئله که شاغل شدن احساس استقلال را برای آنان در برداشته‌است، کاملاً مخالف و مخالف هستند. می‌توان این تصور را داشت به سبب باورهای سنتی خانواده‌های ترک تبار، امکان اینکه دختران بتوانند با شاغل شدن استقلال خود را به‌دست آورند، کمتر خواهد بود.

در گفتگوها، وابستگی به عقاید و آداب و رسوم خانواده و دیدگاه پدر و مادر، در میان دختران استانبولی به میزان بیشتری مشاهده می‌شد. در برخی موارد دختران اذعان داشتند که از خواست خود به دلیل مخالفت خانواده سرباز زده‌اند. اما داده‌های کمی در رابطه با دختران تهرانی بیانگر آن است که دختران با شاغل شدن، چندان احساس استقلال نمی‌کنند. بیش از ۶۰ درصد از آنان با این امر کاملاً مخالف و مخالف هستند. آن‌ها مدعی هستند که اشتغال استقلال چندان برایشان به وجود نیاورده و شرایط زندگی مجردی، فشارهای موجود به سبب نپذیرفتن نقش‌های سنتی را کاسته‌است.

ارجحیت هویت جنسیتی یا هویت حرفه‌ای

دختران استانبولی و تهرانی با تقویت هویت حرفه‌ای خود و درآمد در خانواده، به سهم خواهی قدرت برخاسته و با کمک خرج شدن در امور خانه و کمک خرج خواهر و برادر کوچک‌تر شدن و اقداماتی این چنین، موقعیت جدید حرفه‌ای خود را تثبیت و در عین حال احترام بیشتری، به عنوان کسی که سهمی در امور خانواده دارد، جلب می‌کنند. البته برخی خانواده‌ها بدون نیاز به مشارکت در امور مالی خانواده، امکان پس انداز بیشتر را برای دختران خود فراهم می‌کنند؛ با این حال، در گستره کلی بحث، استقلال مالی می‌تواند چهره‌ای متفاوت از دختران برای خانواده بسازد؛ دختری که رشد یافته و توانسته جایگاهی مستقل در محیط کاری به‌دست آورد. آنچه طی مصاحبه و نیز پرسشنامه‌ها به‌دست آمد، نشان می‌دهد دختران ترک به نسبت دختران تهرانی، خودباوری بیشتری نسبت به عناصر زنانگی و ظاهری خود دارند و کمتر جراحی زیبایی انجام می‌دهند، از لوازم آرایش کمتری استفاده می‌کنند و با تغییر ظاهر خود در پی کسب مقبولیت نیستند. این شرایط به‌گونه‌ای است که با برخورد منفی مردان ترک روبه‌رو می‌شود و مردان از کم‌توجهی زنان به

ظاهرشان ابراز ناخرسندی می‌کنند (برداشت محقق از سال‌ها زندگی و ارتباط نزدیک با جامعه ترک).

در گفتگوها به نظر می‌رسید دختران ترک با توجه به جامعه آماری 25-35 ساله که هنوز موقعیت ازدواج و باروری در آن‌ها وجود دارند، امید بیشتری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند، به‌طوری که خود را در موقعیت ۱۰ سال آتی بدون همسر و خانواده تصور نمی‌کنند. همچنین دختران استانبولی در اشتغال، جدیت و انگیزه بیشتری دارند و بدون توجه به جنبه لوکس کار یا نگرانی از پرستیژ اجتماعی شغل، می‌خواهند شاغل باشند و با کسب درآمد بر فشارهای خانوادگی فائق آیند و استقلال خود را تعریف کنند، هر چند این استقلال، به‌دلیل نفوذ عمیق سنت و رسوم خانوادگی در جامعه ترک و همراهی خانواده در شکل‌دهی مسیر فکری دختران، به‌ندرت کارکردی سنت‌شکنانه پیدا می‌کند. از سوی دیگر، بنا بر گفتگوها، برخی از دختران تهرانی عمده‌تاً زمانی وارد بازار کار شدند که با تجربه و اماندگی در عشق و ازدواج مواجه بودند و برای ترمیم و اصلاح موقعیت و پرستیژ اجتماعی خود وارد بازار کار شدند. این نحوه ورود به بازار کار و البته فرهنگ نه‌چندان رشدیافته سنتی ایرانی با ضرب‌المثل‌هایی در مذمت کار، چون «کار کردن برای تراکتور است»، یا نادیده گرفتن ارزش واقعی کار در صنایع و بازار کشور بازتاب یافته، ارزش کار را در باور عامه مردم کم‌رنگ کرده‌است. هرچند این موضوع خود مبحثی جداگانه است، اما نتیجه‌ای که از آن قابل استنتاج است، محدودتر شدن فرصت‌های شغلی برای دختران است؛ به‌گونه‌ای که دختران و خانواده‌هایشان حساسیت بیشتری نسبت به عنوان و پرستیژ کاری دارند و عمده‌تاً مشاغل پشت میزی در قالب‌های خاصی را می‌پذیرند. این جنبه لوکس کار برای دختران بیشتر هدفی نه به قصد اصالت کار، بلکه موقعیتی که ممکن است با ازدواجی خوب و همسری پولدار به هم بریزد و دیگرتمایلی به ادامه اشتغال دختران وجود نداشته‌باشد.

بحث دیگر امکان استقلال بیشتر و آزادی در سبک زندگی دختران است که با دست به جیب شدن آنان برای خود و افزایش ساعات بیرون ماندن از خانه همراه است، اما نکته قابل بحث در این استقلال، جدایی و کاسته شدن ارتباط خانوادگی است. دختران تهرانی راحت‌تر می‌توانند جدایی خود را با افکار و سبک زندگی سنتی خانواده اعلام کنند و در نتیجه گسستگی بیشتری میان عقاید خانواده و دختران مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نسبت به خانواده‌های ترک استانبولی، ساختار خانوادگی در خانواده ایرانی نسبتاً سست‌تر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد بیشترین نحوه مصرف درآمد دختران تهرانی، صرف امور ظاهری و جراحی‌های زیبایی و جوان‌سازی و در کل جلب توجه مردان می‌شود. امید به ازدواج در دختران تهرانی به‌رغم خواست و میل باطنی آنان، وضعیت ناامیدانه‌تری دارد. در پاسخ به پرسش «تصورتان از ۱۰ سال آینده زندگی خود چیست؟»، بسیاری تنهایی را تصویر می‌کنند و اندکی مأیوسانه به ازدواج می‌اندیشند.

اما دخترانی که در حال حاضر شاغل هستند، اولویت‌بندی آینده آنان، بین هویت حرفه‌ای و هویت جنسیتی کدام است؟ یافته‌های بخش کیفی نشان می‌دهد که عمده‌تاً دختران تهرانی پس از ازدواج هویت حرفه‌ای برایشان کم اهمیت است و هویت جنسیتی را انتخاب می‌کنند و اکثر دختران استانبولی هر دو را کنار هم انتخاب کرده‌اند، به عبارت دیگر دختران تهرانی در صورتی که پس از ازدواج، زندگی مناسبی به لحاظ مادی داشته باشند و نگران مخارج و مسائل مالی شان نباشند، ترجیح می‌دهند در خانه به تربیت فرزندشان بپردازند

و آرامش داشته باشند. اما عمده دختران استانبولی خواسته‌اند حتی بعد از ازدواج نیز کار کنند و پذیرش شاغل بودن دختران توسط همسران احتمالی آینده، شرط پیش از ازدواج نیز محسوب می‌شود. به عنوان مثال گیزم می‌گوید: «من بعد از ازدواج نیز کار می‌کنم و باید همسر بدانم که بین کار و خودش مرا نمی‌تواند مجبور به انتخاب کند.» چنانچه از نتایج گفتگوها با دختران مورد بررسی بر می‌آید، دو نوع انگیزه اشتغال در دختران وجود دارد:

الف- تأمین نیازهای مالی و استقلال در دوران مجردی.
ب- نگرش ماهیتی به کار و تلاش به حفظ آن پس از ازدواج و لزوم همراهی با همسر در امور مالی خانواده.
در بخش کمی نیز مشاهده شد که دختران استانبولی، اصرار بیشتری به حفظ شغلشان در دوران متأهلی در آینده دارند. آنان در پاسخ به سؤال مشابه دختران تهرانی در انتخاب مرد مورد علاقه یا کار گزینه دوم را انتخاب کردند.

جدول شماره ۱۱: جدول دوبعدی رابطه بین هویت حرفه‌ای و ایجاد آسایش برای زن با ازدواج دختران (تهرانی)

ازدواج آسایش برای زن ایجاد می‌کند	هویت حرفه‌ای				جمع
	هویت حرفه‌ای ضعیف	هویت حرفه‌ای متوسط	هویت حرفه‌ای قوی	جمع	
کاملاً موافقم	0 0.0%	3 3.8%	1 1.2%	0 0.0%	4 5%
موافقم	5 6.2%	2 2.5%	0 0.0%	0 0.0%	7 8.8%
تأخوری	13 16.2%	21 26.2%	4 5%	0 0.0%	38 47.5%
مخالقم	4 5.0%	3 3.8%	5 6.2%	4 5%	16 47.5%
کاملاً مخالفم	0 0.0%	1 1.2%	7 8.8%	7 8.8%	15 18.8%
جمع	22 27.5%	30 37.5%	17 21.2%	11 13.8%	80 100%

در بخش کمی برای بررسی دقیق‌تر نگرش دختران شاغل نسبت به آسایش ناشی از ازدواج، جدول دوبعدی هویت حرفه‌ای دختران و گویه ازدواج آسایش برای زن ایجاد می‌کند، ترسیم شد (جدوال ۱۱ و ۱۲).

Sig	DF	Valu
000	12	57.66

می‌توان گفت بین هویت حرفه‌ای و پرسش «ازدواج آسایش برای زن ایجاد می‌کند» رابطه وجود دارد. هرچه قدر بر میزان هویت حرفه‌ای دختران افزوده‌شود، مخالفت آنان با این مسئله که ازدواج آسایش را برای زن ایجاد می‌کند، بیشتر می‌شود. این امر نشان می‌دهد دخترانی که شغل باثبات‌تری دارند، نسبت به دخترانی که شغل بی‌ثبات و هویت

تعارض هویت حرفه‌ای و جنسیتی؛ مقایسه‌ای میان دختران شاغل و تحصیل‌کرده...

حرفه‌ای ضعیفی دارند، دغدغه کمتری نسبت به ازدواج دارند، چرا که این دختران خوشبختی را در ازدواج می‌بینند؛ کما اینکه هر دو گروه خود را در موقعیت ازدواج می‌بینند. بیش از ۱۳٪ دختران تهرانی با هویت حرفه‌ای قوی، معتقد هستند که ازدواج آسایش را برای زنان به ارمغان نمی‌آورد. این آمار در دختران استانبولی صفر است، بدین معنا که دختران استانبولی حتی با هویت حرفه‌ای قوی باور دارند که ازدواج آسایش را برای زنان فراهم می‌کند.

جدول شماره ۱۲: جدول دویعدی بین رابطه هویت حرفه‌ای و ایجاد آسایش برای زن از طریق ازدواج دختران استانبولی

گویه ازدواج آسایش برای زن ایجاد می‌کند	هویت حرفه‌ای			
	هویت حرفه‌ای خیلی ضعیف	هویت حرفه‌ای ضعیف	هویت حرفه‌ای متوسط	هویت حرفه‌ای قوی
کاملاً موافقم	0 0.0%	2 5.0%	4 10.0%	4 10.0%
موافقم	1 2.5%	1 2.5%	2 5.0%	0 0.0%
تأخودی	9 22.5%	10 25.0%	2 5.0%	0 0.0%
مخالفم	2 5.0%	1 2.5%	0 0.0%	0 0.0%
کاملاً مخالفم	0 0.0%	0 0.0%	2 5.5%	0 0.0%
جمع	12 30.0%	14 35.0%	10 25.0%	4 10.0%

Sig	DF	Valu
0.002	12	31.70

بنابراین می‌توان گفت بین هویت حرفه‌ای و پرسش «آیا ازدواج آسایش برای زن ایجاد می‌کند؟» رابطه وجود دارد. این وضعیت نشان می‌دهد، دخترانی که شغل باثبات‌تری دارند نسبت به دخترانی که تحصیلات و شغل بی‌ثباتی دارند، دغدغه کمتری نسبت به ازدواج نشان می‌دهند چرا که این گروه خوشبختی را بیشتر در ازدواج جستجو می‌کنند، هرچند هر دو گروه خود را در موقعیت ازدواج تصور می‌کنند.

جدول شماره ۱۳: جدول دوبعدی رابطه بین هویت جنسیتی دختران تهرانی و ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد

هویت جنسیتی					ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد گویه
جمع	هویت جنسیتی قوی	هویت جنسیتی متوسط	هویت جنسیتی ضعیف	هویت جنسیتی خیلی ضعیف	
2 2.5%	0 0.0%	0 0.0%	1 1.2%	1 1.2%	کاملاً موافقم
6 7.5%	0 0.0%	0 0.0%	0 0.0%	6 7.5%	موافقم
31 38.8%	0 0.0%	1 1.2%	17 21.2%	13 16.2%	تأخوری
15 18.8%	1 1.2%	2 2.5%	8 10.0%	4 5.0%	مخالفم
26 32.5%	10 12.5%	9 11.2%	12 15.0%	2 2.5%	کاملاً مخالفم
80 100%	4 50%	12 15%	38 47.5%	26 32.5%	جمع

همچنین مقدار به‌دست آمده از این جدول نشان می‌دهد بین دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین هویت جنسیتی دختران تهرانی و «ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد» رابطه معناداری وجود دارد.

Sig	DF	Valu
0.000	12	36.88

تعارض هویت حرفه‌ای و جنسیتی؛ مقایسه‌ای میان دختران شاغل و تحصیل‌کرده...

جدول شماره ۱۴: جدول دوبعدی رابطه بین هویت جنسیتی دختران استانبولی و ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد

هویت جنسیتی					گویه
جمع	هویت جنسیتی قوی	هویت جنسیتی متوسط	هویت جنسیتی ضعیف	هویت جنسیتی خیلی ضعیف	ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد
1 2.5%	0 0.0%	0 0.0%	0 0.0%	1 2.5%	کاملاً موافقم
2 5%	0 0.0%	0 0.0%	2 2.5%	0 0.0%	موافقم
12 30%	0 0.0%	0 0.0%	8 % 10	4 10%	تأخوری
9 22.5%	0 0.0%	2 5%	2 5%	5 12.5%	مخالفم
16 40%	7 17.5%	2 5%	5 12.5%	2 5%	کاملاً مخالفم
40 100%	7 17.5%	4 10%	17 42.5%	12 30%	جمع

مقادیر به‌دست آمده در جدول فوق، بیانگر معناداری رابطه بین دو متغیر است؛ به عبارت دیگر بین هویت جنسیتی دختران استانبولی و «ازدواج به زن احساس رضایت می‌دهد» رابطه معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین هویت حرفه‌ای و نیاز به تکیه بر مردان نیز با ترسیم جداول دوبعدی به تفکیک هر دو شهر تهران و استانبول بررسی شد که نتایج آن در جداول زیر مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱۵: جدول دوبعدی برحسب رابطه بین هویت حرفه‌ای و نیاز تکیه بر مردان (دختران تهرانی)

هویت حرفه‌ای					گویه ازدواج باعث می‌شود مردی را به عنوان تکیه‌گاه داشته باشی
جمع	هویت حرفه‌ای قوی	هویت حرفه‌ای متوسط	هویت حرفه‌ای ضعیف	هویت حرفه‌ای خیلی ضعیف	
2 2.5%	0 0.0%	1 1.2%	1 1.2%	0 0.0%	کاملاً موافقم
4 5%	0 0.0%	1 1.2%	0 0.0%	3 3.8%	موافقم
30 37.5%	0 0.0%	4 5%	14 17.5%	12 15%	تأخوری
21 26.2%	3 3.8%	6 7.5%	10 12.5%	2 2.5%	مخالفم
23 28.8%	8 10.0%	5 6.2%	5 6.2%	5 6.2%	کاملاً مخالفم
80 100%	11 13.8	17 21.0%	30 37.5%	22 27.5%	جمع

می‌توان گفت بین هویت حرفه‌ای و پرسش «ازدواج باعث می‌شود مردی را به عنوان تکیه‌گاه داشته باشی» رابطه وجود دارد. داده‌های پرسشنامه حاکی از آن بود که به رغم هویت حرفه‌ای کسب شده و رضایت دختران مورد مطالعه از بهرهمند شدن آن، آنان کماکان به دنبال تکیه‌گاه مردانه هستند.

جدول شماره ۱۶: جدول دوبعدی رابطه بین هویت حرفه‌ای و نیاز تکیه‌گاه به مرد دختران (استانبولی)

هویت حرفه‌ای					گویه ازدواج باعث می‌شود مردی را به عنوان تکیه‌گاه داشته باشی
جمع	هویت حرفه‌ای قوی	هویت حرفه‌ای متوسط	هویت حرفه‌ای ضعیف	هویت حرفه‌ای خیلی ضعیف	
1 2.5%	0 0.0%	1 2.5%	0 0.0%	0 0.0%	کاملاً موافقم
3 7.5%	0 0.0%	1 2.5%	1 2.5%	1 2.5%	موافقم
13 32.5%	0 0.0%	1 2.5%	3 7.5%	9 22.5%	تأخوری
7 17.5%	2 5%	0 0.0%	4 10.0%	1 2.5%	مخالفم
16 40%	2 5%	7 17.5%	6 15%	1 2.5%	کاملاً مخالفم
40 100%	4 10%	10 25%	14 35%	12 30%	جمع

بین هویت حرفه‌ای و پرسش «ازدواج باعث می‌شود مردی را به عنوان تکیه‌گاه داشته باشی» رابطه وجود دارد. داده‌های پرسشنامه حاکی از آن بود که به رغم هویت حرفه‌ای کسب شده و رضایت دختران مورد مطالعه از بهر‌مندی آن، آنان کماکان به دنبال تکیه‌گاه مردانه هستند.

نقش خانواده در انتخاب هویت حرفه‌ای و جنسیتی دختران

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی بر تصمیمات اعضای آن مؤثر است، دختران تا چه اندازه خود را تابع تصمیمات و عقاید خانواده شان می‌دانند یا از شرایط دنیای مدرن با وجود فشارهای سنتی تبعیت می‌کنند. دختران تهرانی نسبت به خانواده‌های خود رابطه، اشتراکات و انسجام کمتری دارند و در نتیجه، فردیت آن‌ها تا حدی تقویت شده‌است. دختران تهرانی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های شغلی تحصیلی، ازدواج و سایر تصمیماتی از این دست خود را تنها دیده و کمتر خود را مجبور به تبعیت از تصمیمات سنتی خانواده می‌دانند.

جدول شماره ۱۷: جدول دویعدی رابطه بین هویت جنسیتی دختران تهرانی و اجبار جامعه سنتی به ازدواج

هویت جنسیتی					گویه به نظرم سرنوشتی که جامعه سنتی به زن عرضه می‌کند، ازدواج است
جمع	هویت جنسیتی قوی	هویت متوسط جنسیتی	هویت ضعیف جنسیتی	هویت خیلی ضعیف جنسیتی	
12 15.0%	0 0.0%	0 0.0%	5 6.2%	7 8.8%	کاملاً موافقم
8 10.0%	0 0.0%	0 0.0%	2 2.5%	6 7.5%	موافقم
29 36.2%	0 0.0%	2 2.5%	19 23.8%	8 10.0%	تأخوذی
21 26.2%	3 3.8%	5 6.2%	9 11.2%	4 5.8%	مخالقم
10 12.5%	1 1.2%	5 6.2%	3 3.8%	1 1.2%	کاملاً مخالفم
40 % 100	4 5.0%	12 15.0%	38 47.5%	26 32.5%	جمع

مقادیر به‌دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین هویت جنسیتی و پرسش «به نظرم سرنوشتی که جامعه سنتی به زن عرضه می‌کند ازدواج است» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۸: جدول دوبعدی رابطه بین هویت جنسیتی دختران تهرانی و اجبار جامعه سنتی به ازدواج

گویه	هویت جنسیتی				جمع
	هویت جنسیتی خلی ضعیف	هویت جنسیتی ضعیف	هویت جنسیتی متوسط	هویت جنسیتی قوی	
به نظرم سرنوشتی که جامعه سنتی به زن عرضه می‌کند، ازکواج است	1 2.5%	5 12.5%	0 0.0%	0 0.0%	6 15.0%
کاملاً موافقم	2 5%	1 2.5%	1 2.5%	0 0.0%	4 10%
موافقم	7 17.5%	6 15%	0 0.0%	0 0.0%	13 32.5%
تأخودی	2 5%	3 7.5%	2 5%	4 10%	11 27.5%
مخالفم	0 0.0%	2 5%	1 2.5%	3 7.5%	6 15%
کاملاً مخالفم	12 30%	17 42.5%	4 10%	7 17.5%	40 100%
جمع					

مقادیر به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین هویت جنسیتی و پرسش «به نظرم سرنوشتی که جامعه سنتی به زن عرضه می‌کند ازکواج است» رابطه معناداری وجود دارد. این موارد بیانگر اختلاف عقاید دختران مورد بررسی با خانواده‌های خود و شکاف بین آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها است و نشان‌دهنده تأثیر کمتر خانواده‌ها در تصمیمات دخترانشان و به عبارتی دیگر اقدامات فردگرایانه دختران نسبت به عقاید گاه سنتی خانواده‌هایشان است. بنابر این همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد دختران تهرانی میزان بیشتری از مقاومت را در برابر عقاید خانوادگی سنتی خود نشان داده‌اند و دختران استانبولی بیشتر تابع عقاید خانوادگی خود هستند. طبق داده‌های به‌دست‌آمده، پول توجیبی تنها ۱۸.۸ درصد از پاسخگویان (دختران ایرانی) از جانب خانواده تأمین می‌شود و ۸۱.۲٪ از پاسخگویان پول توجیبی از خانواده خود دریافت نمی‌کنند که به نظر می‌رسد این دختران در خانواده به لحاظ مالی از استقلال برخوردار باشند. این آمار برای دختران ترک ۲۲٪ دریافت پول توجیبی و ۷۷٪ از خانواده خود پول توجیبی نمی‌گیرند. همچنین بیش از ۸۸٪ از پاسخگویان دختر تهرانی اظهار داشتند که با پدر و مادر خود یا یکی از والدین زندگی می‌کنند و ۸۵٪ از پاسخگویان استانبولی به همراه پدر و مادر یا یکی از والدین زندگی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی بر روی دختران شاغل و تحصیل‌کرده ۲۵ تا ۳۵ ساله تهرانی و استانبولی انجام شد و در صدد بررسی جدال نقش سنتی زنانه در مواجهه با نقش‌های حرفه‌ای و شغلی جامعه مدرن میان دختران مشارکت‌کننده بود. با توجه به مباحث نظری و رجوع به واقعیت، سؤال آغازین چنین مطرح می‌شود که دختران به هویت حرفه‌ای خود اهمیت بیشتری می‌دهند یا هویت جنسیتی؟ یافته‌های کیفی نشان می‌دهد دختران

استانبولی و تهرانی در مقایسه با یکدیگر، نگرش متفاوتی به زندگی حرفه‌ای به عنوان روندی طبیعی و مرسوم در سیر زندگی‌شان دارند به گونه ای که عمدتاً دختران استانبولی بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی، خود را بیشتر ملزم به ورود به بازار کار می‌دانند؛ این در حالی است که دختران تهرانی به کارکردن اهمیت کمتری داده و در صورتی که امکانات مادی آن‌ها به واسطه ازدواج تأمین شود، اصراری برای کار کردن ندارند. بنا به گفته دختران تهرانی دلیل عمده کار کردنشان کم کردن از فشارهای سنتی خانواده بود. در بین دختران ترک استانبولی هم بودند کسانی که این مسئله را عنوان کردند اما فراوانی کمتری داشتند. همچنین بررسی‌های کیفی نشان می‌دهد تعداد بیشتری از دختران استانبولی، حتی در صورتی که ازدواج موفق به لحاظ موقعیت مطلوب مالی همسرشان انجام دهند، باز هم راغب به ادامه کار و فعالیت و استقلال مالی هستند، اما عمده دختران تهرانی بر این نظرند که اگر همسری با موقعیت مالی مناسب داشته باشند دیگر لزومی به استقلال مالی ناشی از کارشان وجود ندارد و عمدتاً میان شرط همسر برای انتخاب کار یا وی، از کار کردن چشم پوشی کرده‌اند.

همچنین مقایسه نمونه‌های دختران استانبولی و تهرانی نشان می‌دهد که دختران تهرانی بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، انتظار بالایی از جایگاه خود برای شغل دارند و منتظر جایگاه و پرستیژ بالا در موقعیت حرفه‌ای هستند اما دختران استانبولی چه قبل و چه بعد از تحصیلات دانشگاهی، دیدگاه متفاوت تری نسبت به شغل داشته و حاضر به انجام مشاغل کم تخصص‌تری هم هستند و کار کردن را به صرف کار و درآمدزایی انجام می‌دهند و به دنبال موقعیت بالای شغلی در بدو کار نیستند.

از سوی دیگر با توجه به مصاحبه‌های بخش کیفی در رابطه با تمایل دختران به فرزندآوری و تعریف زن در نقش مادری، دختران هر دو جامعه دغدغه اساسی نسبت به فرزندآوری دارند و بر این عقیده اند که اگر در آینده نتوانند فرزند داشته باشند ناخشنود و تنها خواهند ماند. نگرش دختران دو جامعه آماری به میزان تقریباً مشابهی است؛ بدین معنا که آنان هویت زنانه خود را بر هویت حرفه‌ای ترجیح می‌دهند و اولویت اصلی آنان زن بودن و مادر شدن است.

دختران استانبولی و تهرانی همچنین در موقعیت استقلال به واسطه شرایط مادی خود مشترک هستند و به میزانی از استقلال در خانواده به واسطه تغییر پایگاه خود دست یافتند که با توجه به شرایط فرهنگی مشترک خانواده مداری در هر دو جامعه، برخی دختران در اداره مخارج خانواده از درآمد خود استفاده کرده و برخی درآمدها را در اختیار مادر برای مخارج کل یا پس انداز می‌گذارند.

تفاوت دیگر دو جامعه مورد بررسی، در هدف آنان از کار کردن و تلاش برای حفظ شغل بعد از پذیرفتن نقش همسری و مادری است. آنچنان که از این تحقیق برآمده است، دختران تهرانی در صورتی که ازدواج نکنند، برای کسب موقعیت بهتر اجتماعی به مشاغلی که تأمین‌کننده خواسته منزلتی‌شان باشند روی می‌آورند و جنبه تزئینی و لوکس شغل بیشتر برایشان اهمیت دارد و در زندگی مشترک آینده، مرد را تأمین‌کننده امور مادی زندگی می‌دانند. در عین حال رفاه مادی دختران تهرانی در ازدواج احتمالی آتی آن‌ها، موجب ترک شغل آنان خواهد بود. اما دختران استانبولی با وجود تحصیلات دانشگاهی بالا و گاه پایین حاضر به اشتغال در سطوح نه چندان زنانه هم هستند و مصاحبه‌ها گویاست که

آنان در بسیاری از مشاغل غیر تخصصی به فعالیت حرفه‌ای پرداخته و اکنون نیز فارغ از تصورات تزیینی و اصطلاحاً لوکس‌گرایانه، مشغول به فعالیت هستند.

برای سنجش رابطه بین هویت حرفه‌ای و محل سکونت دختران تهرانی و استانبولی در بخش کمی، از تجمیع بیست و سه گویه مفهوم هویت حرفه‌ای ساخته شد و با توجه به تقسیم‌بندی امتیازها به چهارگروه هویت حرفه‌ای در سطح خیلی ضعیف، در سطح ضعیف، سطح متوسط، و هویت حرفه‌ای در سطح قوی دسته‌بندی شد که حداقل آن ۶۰ و حداکثر آن ۱۰۲ بود. بر این اساس به نظر می‌رسد که دختران تهرانی و استانبولی، هویت حرفه‌ای را به عنوان مبنایی برای باز تعریف هویت خود نپذیرفته‌اند یا بدان باور ندارند.

در عین حال برای سنجش رابطه بین محل سکونت و هویت جنسیتی در بخش کمی، از تجمیع سی گویه مفهوم هویت جنسیتی ساخته شد و با توجه به تقسیم‌بندی امتیازها به چهار گروه هویت جنسیتی در سطح خیلی ضعیف، سطح ضعیف، سطح متوسط، و هویت جنسیتی در سطح قوی دسته‌بندی شد که حداقل آن ۷۳ و حداکثر آن ۱۳۱ بود. این بدان معنا است که هویت جنسیتی در نزد دختران استانبولی و تهرانی به یکسان درک نمی‌شود، هر چند همین شرایط برای هویت حرفه‌ای نیز موجود نیست.

یافته‌های بخش کیفی و کمی نشان می‌دهد که عمدتاً دختران تهرانی پس از ازدواج، هویت حرفه‌ای برایشان کم اهمیت است و ترجیح آنان هویت جنسیتی‌شان است اما دختران استانبولی هر دو را کنار هم انتخاب کرده‌اند؛ به عبارتی دیگر دختران تهرانی در صورتی که زندگی مناسبی به لحاظ مادی پس از ازدواج داشته باشند و نگران مخارج و استقلال مالی‌شان نباشند، ترجیح می‌دهند در خانه به تربیت فرزندشان بپردازند و آرامش داشته باشند تا تقلا در محیط کار. اما عمده دختران استانبولی خواسته‌اند حتی بعد از ازدواج نیز کار کنند و پذیرش شاغل بودن دختران توسط همسران احتمالی آینده، شرط پیش از ازدواج نیز محسوب می‌شود.

عامل مورد بحث دیگر در این پژوهش، تأثیر خانواده‌ها و نقش آنان در تصمیم‌گیری‌های دختران دو جامعه مورد بررسی است. یافته‌ها نشان از تسلط و نفوذ قدرتمند خانواده و سنت‌های خانوادگی در زندگی دختران ترک دارد و دختران ترک استانبولی در این تحقیق بسیاری از تصمیمات خود را برای رضایت خانواده اخذ کرده‌اند، ولی دختران تهرانی فردگرایی بیشتری داشته و بسیاری از تصمیمات را به رغم مخالفت شدید خانوادگی انجام می‌دهند.

منابع

- ابوت، پاملا و کلو والاس (1383). جامعه‌شناسی زنان (چاپ سوم) ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- استنفورد، جیم (1391). اقتصاد به زبان خودمان (بنیان‌های نظام سرمایه‌داری)، ترجمه: مریم بیرمی، انتشارات پژوهش.
- ایمان، محمدتقی و کیذقان، طاهره (1382). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). علوم انسانی الزهرا، 12-13 (44-45)، 79-107.
- پولانزاس، نیکوس (1390). طبقه در سرمایه‌داری معاصر، ترجمه حسن فشارکی و فرهاد مجلسی‌پور، نشر رخدانو.
- جعفری نمین، پورانده (1390). تناقض در هویت جنسیتی دختران مجرد؛ مطالعه بر دختران مجرد شهری شاغل و تحصیل‌کرده بالای 35 سال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

جنکینز، ریچارد (1391). هویت اجتماعی، مترجم: تورج یاراحمدی، انتشارات شیرازه.
حکیم، کاترین (1391). سرمایه جنسی و نقش آن در مناسبات قدرت جامعه- جلد اول سرمایه جنسی و جنبه‌های سیاسی آن در دنیای امروز، ترجمه ژیلای سرایی. <https://ketabnak.com/reader/37647>.
رابرتسون، یان (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
علیرضائزاد، سهیلا و سرایی، حسن. (1386). گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن، پژوهشنامه علوم انسانی، 53 (ویژنامه جامعه‌شناسی)، 223-252.
علیرضائزاد، سهیلا (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جوامع صنعتی؛ تغییرات از جامعه صنعتی به جامعه پسا صنعتی، سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
علیرضائزاد، سهیلا و حائری، شهلا (۱۳۹۰). پول، جنسیت توسعه، مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنبورداران رامه، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، 2(7)، 191-231.
فروتن، یعقوب (1390). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. زن در توسعه و سیاست، 9(2)، 39-80.
کاستلز، مانوئل (1380). عصر اطلاعات، قدرت و هویت. ترجمه: حسن چاوشیان، جلد دوم، تهران: طرح نو.
گل محمدی، احمد (1383). جهانی شدن، فرهنگ، هویت (چاپ سوم)، تهران: نشر نی.
گیدنز، آنتونی (1377). جامعه‌شناسی (چاپ ششم) ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (1386). جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
واگنر، پیتر (1394). جامعه‌شناسی مدرنیته: آزادی و انضباط، ترجمه زانیار ابراهیمی و سعید حاجی ناصری. انتشارات اختران.

منابع انگلیسی

- Berg-Cross, L., Scholz, A. M., Long, J., Grzeszyk, E., & Roy, A. (2013). Single professional women: A global phenomenon challenges and opportunities. *Journal of International Women's Studies*, 5(5), 34-59.
- Gelişli, Y. (2004). Education of women from the Ottoman Empire to modern Turkey. *SEER-South-East Europe Review for Labour and Social Affairs*, (04), 121-135.
- Maslak, M. A., & Singhal, G. (2008). The identity of educated women in India: confluence or divergence? *Gender and Education*, 20(5), 481-493.
- Sharma-Brymer, V., & Fox, C. (2008). Being an educated woman in India: A phenomenological approach to narratives. *Compare*, 38(3), 321-333.
- Sündal, F. (2002). The logic of tesettür: engendering everyday lives of educated Islamist women in Turkey. *Towards Gender Equality in Turkey: a Summary Assessment*, 2012 November 20. Turkey Country Management Unit, Europe and Central Asia Region, http://kasau.ankara.edu.tr/files/2013/02/World-Bank-Turkey_Gender_Note-2012.pdf
- Turkish Statistical Institute (Turk Stat), www.turkstat.gov.tr
- www.ceeol.com.